

شرح رساله حقوق امام سجاده (علیه السلام)

حجت الاسلام والمسلمین استاد حاج علی اکبری



حق البصر

جلسه اول

۱۳۹۳/۰۳/۲۵

فهرست

- رساله‌ الحقوق، نقشه‌ی سعادت و خوشبختی
- آسیب‌شناسی شنیدن مطالب ارزشمند
- حق بینایی
- ۱. چشم‌پوشی از دیدنی‌های حرام
- ۲. دیدن مطالب ارزشمند
- چند نکته قرآنی درباره‌ی دیدن
- شریف‌ترین حواس
- زبان چشم
- یک تجربه‌ی زیبا
- یادآوری تکان‌دهنده‌ی خداوند در قرآن
- دیدن را ببینیم!

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

در ابتدا ایام پرفروغ و خجسته‌ی ماه معظم شعبان و میلاد با سعادت مولایمان حضرت بقیّه الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را که هم‌چنان عطر دل‌انگیزش مَشام دوستان را مُشکین می‌کند، به همه‌ی عزیزان و ارادتمندان آن حضرت تبریک عرض می‌کنم.

با اینکه حق شنیدن را به‌طور مفصل بررسی کردیم، به دو علت حقیقش آدا نشده است؛ یکی برداشت ما بود مبنی بر اینکه درباره‌ی این موضوع کلیدی و مهم کمتر گفته و شنیده می‌شود. مطلب دوم استقبال مخاطبان عزیزمان بود که توقع داشتند این بحث ادامه پیدا کند و احساس می‌کردند که این بخش از مطالب برایشان مفید است. ما به احترام عزیزان مطلب را با تفصیل بیشتری بررسی کردیم؛ اما به‌طور طبیعی از این به بعد مطلب ما درباره‌ی رساله‌ی حقوق با سرعت بیشتری پیگیری و دنبال می‌شود و امیدواریم که خداوند تبارک و تعالی توفیق بدهد بتوانیم حظّ و بهره‌ی فراوان‌تری از کلمات امام سجّاد (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) در این رساله‌ی پر نور داشته باشیم.

رساله الحقوق، نقشه‌ی سعادت و خوشبختی

قبل از شروع بحثمان، دو نکته را یادآوری می‌کنم. نکته‌ی اول یک یادآوری در ارتباط با رساله‌ی حقوق است. از آنجا که ما روی بخش خاصی از این رساله مدتی بحث کردیم، لازم است اشاره‌ی دوباره‌ای به فضای عمومی رساله‌ی حقوق داشته باشیم. نکته‌ی دوم یک یادآوری درباره‌ی حق شنیدن است.

اما نکته‌ی اول درباره‌ی رساله‌ی حقوق امام سجّاد (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) است که از باب شکر باید عرض کنیم که رساله‌ی حقوق یک نقشه‌ی راه برای سعادت و خوشبختی است که مبتنی بر هندسه و مهندسی الهی است. سَيِّدُ السَّاجِدِينَ و اِمَامُ العَارِفِينَ (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) در این رساله‌ی پر نور، با زیبایی تمام، سبک زندگی مؤمنانه را تبیین و تشریح، و اصول و قواعدش را ارائه کرده‌اند. این رساله فوق‌العاده شیرین و مغتنم است؛ زیرا هم به حقوق آسمانی و الهی و در نسبت انسان با خدای متعال پرداخته است - که ما طی سال گذشته در حَقُّ اللهِ الْاَكْبَرُ به این مسئله تا حدی پرداختیم - هم به حقوق حَقُّ النَّفْسِ و حقوق اعضا به زیبایی پرداخته است که ما حق عمومی نفس را که طاعت پروردگار متعال بود، در ذیل حق الله که عبارت بود از توحید، با بیان زیبای امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) به تفصیل و حق اعضا را هم شروع به بررسی کردیم.

اولین حق، حق زبان بود که امام (عَلَيْهِ السَّلَام) با تفصیل به این مسئله پرداخته بودند و پنج حق را در آنجا ذکر کردند. آنگاه نوبت به حق شنیدن رسید: «حَقُّ السَّمْعِ» که در جلسات

اخیر با تفصیل بررسی کردیم و حالا هم نوبت به «حَقُّ الْبَصَرِ» می‌رسد؛ حَقِّ دیدن و حَقِّ چشم که ان‌شاءالله از امروز به لطف پروردگار متعال آن را شروع می‌کنیم.

در ادامه در فرازهای گوناگون این رساله‌ی نورانی، حَقِّ سایر اعضا را بررسی خواهیم کرد. سپس نوبت به بررسی حَقِّ افعال خواهد بود؛ مثل حَقِّ نماز و حَقِّ روزه. حقوق بین انسان‌ها، مطلب بعدی است که به آن خواهیم پرداخت. در آنجا نیز با یک تقسیم‌بندی بسیار زیبا و دقیق، امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) این حقوق متنوع را فهرست می‌کنند.

این فضای عمومی رساله‌ی حقوق امام سَجَّاد (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) است. جمعاً پنجاه حَقِّ در این رساله‌ی نورانی احصاء و شمارش شده است. این نکته‌ی اوّل که هم یک یادآوری به خودم و عزیزان بود و هم تأکید بر اینکه قدرشناس این رساله باشیم. گمان می‌کنم بسیاری از مخاطبان عزیز و ارجمند این برنامه، مخصوصاً جوانان عزیزمان، رساله‌ی حقوق را تهیه و آن را در متن زندگی خود جاری کرده و با آن سیر و سلوک می‌کنند. اگر کسی واقعاً دنبال سیر و سلوک است، کافی است که با همین رساله‌ی حقوق امام سَجَّاد (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) منازل انسانیت را سیر کند و گام‌به‌گام به خدای متعال نزدیک شود. این رساله بهترین دستورالعملی است که در دسترس ما است و امیدوارم که خدای متعال توفیق قدرشناسی از آن را به ما کرامت کند.

اگر این برنامه تنها اثر و فایده‌اش این باشد که عنوان زیبای رساله‌ی حقوق امام سَجَّاد (عَلَيْهِ الصَّلَام) را دائماً برای مخاطبان عزیز و ارجمند و فرهیخته‌ی خود تکرار کند و سبب شده

باشد که به این متن اصیل و منبع فوق‌العاده جذّاب اخلاق اسلامی که مستقیماً توسط امام معصوم (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) طرّاحی و ارائه شده، توجه پیدا کرده و آشنا شده باشند و طبق آن یک مسیر سلوکی را برای خودشان طرّاحی کرده باشند، این برنامه به هدف خودش رسیده است.

امیدواریم عزیزان بیننده و شنونده‌ی این برنامه که اهل فضل هستند، در جاهایی که مشغول به کار هستند و ارتباط دارند، این متن نورانی را ترویج و به دیگران معرفی کنند.

آسیب‌شناسی شنیدن مطالب ارزشمند

اما نکته‌ی دوم درباره‌ی حقّ شنیدن است که حقّش بود که مقداری مفصل‌تر آن را بررسی کنیم. به تعبیر یکی از دوستان، بررسی این حق، خودش رساله‌ی مستقلی در حوزه‌های اخلاقی و سلوکی و معنوی می‌شود.

نکته‌ی بسیار مهمی درباره‌ی این حق وجود دارد که یک مقدار نگرانی درباره‌اش احساس می‌شود و آن اینکه فقط شنیدن مطالب زیبا برایمان موضوعیت پیدا کند و به آن عادت پیدا می‌کنیم؛ یعنی صرفاً مواعظ و سخنان بیدارکننده را می‌شنویم، ولی تأثیر لازم را در خود احساس نمی‌کنیم.

در وهله‌ی نخست من باید تقصیر را به عهده بگیرم؛ زیرا مخاطبان از آدمی می‌شنوند که خودش اهل عمل نیست و شاید حقّ مطلب ادا نمی‌شود و آن برانگیختگی و احساس خوب،

در عزیزانمان شکل نمی‌گیرد. از این جهت ما باید به خدای متعال پناه ببریم و از حضرت حق مدد بطلبیم. البته عزیزان عنایت دارند که ما احادیث و آیات را می‌خوانیم؛ بنابراین توجه به ما قال (آنچه که گفته می‌شود) داشته باشند^۱ و کاری به کسی که این حرف‌ها را می‌زند، نداشته باشند! به هر حال، بنده سهم خودم را در این اشکال می‌پذیرم.

اما نکته‌ی دوم اینکه اگر کسی این احساس را پیدا کرد، یعنی همواره فقط می‌خواهد سخنرانی گوش کند، می‌خواهد بحث‌هایی از این قبیل را دنبال کند و بشنود و این برایش عادت شده، باید به نسخه‌ی قرآن کریم عمل کند. این کتاب آسمانی، تعبیر بسیار زیبایی در این باره دارد. آن تعبیر عبارت است از اینکه باید انسان «الِقَاءَ السَّمْعِ» بکند: «لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ»^۲ برای هر صاحب‌دل و حق‌نپوشی که خود به گواهی ایستد. این همان چیزی است که ما جلسه‌ی گذشته از آن تعبیر کردیم به «حُسْنِ اسْتِمَاعٍ». «حُسْنِ اسْتِمَاعٍ» خوب شنیدن و شنیدن هنرمندانه است که عبارت از شنیدن مؤثر است. به این معنا که انسان از رهگذر شنیده‌های خوب، احساس خوب در درجه‌ی اول و برداشت خوب داشته باشد، سپس آن شنیده‌ها را کاربردی کند و در متن زندگی خود به کار گیرد.

۱. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند: «لَا تَنْظُرُ إِلَى مَنْ قَالَ وَانظُرْ إِلَى مَا قَالَ؛ منگر که چه کس گفت، بنگر که چه چیز گفت». منقی هندی، کنز

العمال، ح ۴۴۲۱۸.

۲. ق: ۳۷.

اگر بخواهیم معیاری برای شنیدن در نظر بگیریم، باید ببینیم آنچه که به گوش ما خورده، آیا به دل ما نیز رسیده و در جریان زندگی ما اثرگذار بوده است؟ چراکه: «بَابُ الْكَلَامِ إِلَى الْقَلْبِ». این تأثیر، فوق‌العاده مهم است. بنابراین برای اینکه شنیدن عادت‌مان نشود، باید خودمان را به شنیدن پیشرفته برسانیم؛ یعنی کاربردی کردن شنیده‌ها در متن زندگی.

گاهی برخی در شنیدن مواعظ و سخنان دینی و مذهبی، دچار افراط می‌شوند و گویا یک نوع شهوت شنیدن در آنها شکل می‌گیرد که نتیجه‌اش عادی شدن مطالب برای آنها است. مثلاً از یک واعظ می‌شنویم که: «أَسْمِعُوا دَعْوَتَ الْمَوْتِ أَدَانَكُمْ قَبْلَ أَنْ يَدْعِيَ بِكُمْ؛^۳ بر گوش‌های خود دعوت و یاد مرگ را بشنوانید، قبل از آنکه مرگ شما را فرا خواند»، اما تکان نمی‌خوریم و پیوستش نمی‌رویم سراغ اینکه با دریافت دعوت مرگ، خود را بیدار و آگاه کنیم. یا مثلاً صحبت از شنیدن اذان می‌شود، اذان به گوش ما هم می‌خورد، ولی تأثیری در تحریک ما برای اینکه به سمت نماز اول وقت و مسجد و پاسخ‌گفتن به دعوت الهی برویم، ندارد؛ زیرا برای ما عادی شده است.

راه برون‌رفت از این مشکل این است که شنیدمان را شنیدن مؤثر قرار بدهیم و «حُسْنِ اسْتِمَاعٍ» داشته باشیم. دامنه «حُسْنِ اسْتِمَاعٍ» از خوب دریافت کردن و فهمیدن شروع می‌شود و تا عمل کردن ادامه پیدا می‌کند. وقتی که خوب عمل کردیم، مصداق این آیه می‌شویم:

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳.

«سَمِعْنَا وَ اطَعْنَا؛^۴ شنیدیم و اطاعت کردیم» و کارمان درست می‌شود؛ یعنی به آنچه که شنیدیم، عمل کردیم. پس باید مراقب این آفت بود.

«وَتَعَبَهَا أُذُنٌ وَأَعْيَةٌ»^۵ و گوش نگه‌دارنده اندرز آن را فرا گیرد» شنیدنی مطلوب خدای متعال است که دارای این ویژگی‌ها باشد: عمیق، خوش‌ظرفیت، هوشمندانه و با نیت به کار بستن شنیده‌ها باشد. و الاً صرفاً یک عادت است؛ البته این عادت بهتر از شنیدن چیزهای ناجور است. نکته‌ای را باید متذکر شوم و آن اینکه این شنیدن ممکن است بی‌تأثیر هم نباشد، منتها تأثیرش روی دل و جان شخص اندک است و آن تأثیر مطلوب را ندارد. بحث ما در باب «حَقُّ السَّمْعِ» در اینجا به پایان می‌رسد.

حق بینایی

۱. چشم‌پوشی از دیدنی‌های حرام

امام (علیه السلام) در «حَقُّ الْبَصَرِ» فرمودند: «وَأَمَّا حَقُّ بَصَرٍ» و اما حق چشم یا بر اساس همان سبک انتخابی مان، حق دیدن. شاید من بیشتر از کلمه‌ی «حق دیدن» استفاده کنم؛ زیرا «عَيْنٌ» به معنای چشم است و حضرت فرمودند: «حَقُّ الْعَيْنِ»؛ چنان‌که در مورد سمع هم

۴. مانند: ۷.

۵. حاقه: ۱۲.

نفرمودند: «حَقُّ الْأُذُنِ» اُذُن، گوش به معنای ظاهری‌اش است. اینجا هم نفرمودند: «حَقُّ الْعَيْنِ»؛ بلکه فرمودند: «حَقُّ الْبَصَرِ» بَصَر به معنای بینایی است که ما به صورت مصدری ترجمه‌اش می‌کنیم که حق دیدن می‌شود. لذا از این تعبیر بیشتر استفاده خواهیم کرد.

امام (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمودند: «وَأَمَّا حَقُّ بَصَرٍ فَغَضُّ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ وَتَرْكُ ابْتِدَالِهِ» حق دیدن و بینایی این است که از آنچه که دیدنش برای تو حلال نیست، و از آنچه که دیدنش ارزش و سودی ندارد چشم‌پوشی کنی. «إِلَّا لِمَوْضِعِ عِبْرَةٍ» مگر آنجایی که امکان عبور و دریافت برای تو فراهم بشود. «تَسْتَقْبِلُ بِهَا بَصَرًا» که از طریق آن تماشا و نگاه، بصیرت و روشن‌بینی در تو پیدا بشود. «أَوْ تَسْتَفِيدُ بِهَا عِلْمًا» یا از این طریق به علم تو افزوده شود یا از دانشی بهره‌مند شوی. «فَإِنَّ الْبَصَرَ بَابُ الْإِعْتِبَارِ» زیرا دیدن و نگاه، دروازه‌ی عبرت‌گرفتن و فهمیدن است.

این متن رساله‌ی حقوق امام سجاد (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) است. بعضی از نسخه‌های رساله‌ی حقوق، مختصرتر از این است. این جامع‌ترین نسخه است که معمولاً ما از روی همین متن برای عزیزانمان می‌خوانیم. در این متن امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) بخش حفاظت را مجدداً مقدم کردند؛ همان چیزی که درباره‌ی گوش، برای آن از واژه‌ی «تَنْزِيهِ» استفاده شده بود. اینجا کلمه‌ی «غَضُّ» به معنای چشم‌پوشی و چشم‌بستن است که در دو مرحله استفاده شده است: یکی کلمه‌ی «غَضُّ» یعنی چشم‌پوشی کردن از آنچه که حلال نیست. یکی هم «تَرْكُ ابْتِدَالِ» است که منظور نگاه‌های هرزه و اضافه است که بیشتر جنبه‌ی کراهتی دارد. این می‌شود حق اول. پس حق اول حفاظت از بینایی، نگاه و چشم است در برابر آنچه که حرام است و دیدنش برای ما فایده و سودی ندارد.

۲. دیدن مطالب ارزشمند

از فراز «إِلَّا لِمَوْضِعِ عِبْرَةٍ» حقّ دوم آغاز می‌شود. حقّ دوم آنجایی است که انسان باید ببیند و پیشنهاد می‌شود که تماشا کند و از این ظرفیت ارجمند استفاده کند. یکی آنجایی است که ما با دیدن از بصیرتی استقبال می‌کنیم و این دیدن باعث فهم و روشنایی و عبرتی در وجود شما می‌شود یا برای شما دانش مفیدی را به همراه خواهد داشت. جمع‌بندی هم این بود که امام (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمودند این از آن رو است که بَصَرَ، چشمان، بینایی و نگاه شما دروازه‌ی اعتبار و فهم و دریافت‌های عمیق برای شما است.

چند نکته قرآنی درباره‌ی دیدن

برای فهم بیشتر متن نورانی رساله‌ی حقوق، چند نکته بسیار مهم و فوق‌العاده ارزشمند را با مدد گرفتن از قرآن کریم و طبق سیره‌ی جاری خودمان در این برنامه، یادآوری می‌کنم. البته بعضی از نکته‌هایی که می‌گوییم، با نکاتی که از قرآن کریم درباره‌ی شنیدن استفاده کردیم، یکسان است.

مطلب اول که بسیار جذاب و شنیدنی است، این است که خداوند متعال و مهربان خودش را در قرآن کریم «بصیر» معرفی می‌کند.^۶ «بصیر» یکی از أسماء الحُسْنای الهی که به معنای بیننده است. البته دیدن حق با آنچه که من و شما از دیدن درباره‌ی خودمان می‌فهمیم متفاوت است. خداوند از این وصف‌ها بالاتر و برتر است: «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ»^۷ منزّه است پروردگار تو از آنچه وصف می‌کنند». اما قرآن کریم از کلمه‌ی «بَصْر» برای این استفاده کرده که علم الهی را که از صفات پروردگار متعال و عَلِيم است، در یک جلوه‌ی زیبا و بدیعی به ما منتقل کند.

کلمه‌ی بصیر برای ما آدم‌ها فوق‌العاده سازنده است. قرآن کریم در بیان زیبایی می‌فرماید: «وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ»^۸ و خدا به [حال] بندگان بینا است». این تعبیر هیجان‌آمیز و شیرین، و البته تکان‌دهنده است. خدای متعال بنده‌هایش را می‌بیند. اینکه شما تحت نظر و تحت نگاه هستید، یک برداشت، آن نگاه مهربان و صمیمی است که شما را حفظ می‌کند، نگه می‌دارد، اوضاعتان را می‌داند، باخبر است که این، باعث دلگرمی و خوشحالی است و برای کسانی که اهل معرفت هستند، بزرگ‌ترین بشارت است. اینکه ما تحت نظر خداوند هستیم، او ما را نگاه می‌دارد، مواظب ما است و از اوضاع ما خبر دارد، برای ما مایه امید و دلگرمی است. حتی

۶. واژه‌ی «بصیر» در قرآن ۵۱ بار وارد شده که در ۴۳ مورد به عنوان وصف خداوند متعال به کار رفته است.

۷. صافات: ۱۸۰.

۸. آل عمران: ۱۵ و ۲۰.

بالا تر از آن، از این بودنمان لذت می‌بریم و عشق می‌کنیم، زیرا او ما را می‌بیند. پس این می‌شود آن منبع اصلی امیدبخشی به انسان.

اما این، یک روی سکه است. آیه «وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» طرف دومی هم دارد که آن برداشت شاید بیشتر به ذهن متبادر شود.

طرف دوم عبارت است از اینکه خدای متعال ناظر اقدام، کارها و برنامه‌های ما است و ما در حوزه‌ی نگاه و دید پروردگار متعال قرار داریم. چنانچه این برداشت را در نظر بگیریم، انسان سرش پایین می‌افتد و خجالت و شرمندگی بر او حاکم می‌شود. اگر به این نکته توجه کنیم که خدای متعال نگاه ما را نگاه می‌کند، دیگر هر منظره و تصویری را نگاه نخواهیم کرد. قرآن کریم در این باره تعبیری زیبا و تکان‌دهنده دارد، آنجا که می‌فرماید: «لَا يَدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ»؛ دیدگان، او را در نیابند و او است که دیدگان را در می‌یابد و او باریک‌بین آگاه است». اینکه چشم‌های عادی و ظاهری خدای متعال را نمی‌بیند، اما او است که نگاه شما را می‌بیند: «وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ»، این آغاز بحث جدید ما است. پلک زدن ما، گوشه گوشه‌ی نگاه‌های ما و به تعبیری، استفاده‌ی ما از این ظرفیت فوق‌العاده‌ای که خدای متعال در اختیار ما گذاشته، در محیط دید خالق هستی است.

توجه به این مطلب که خدای متعال ما را می‌بیند و به معنای عام کلمه «بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» است - هم به معنای اوّل که دلگرم‌کننده و شوق‌انگیز و مشتعل‌کننده و برافروزنده انسان است و هم به معنای دوم که هشداردهنده بود- حقیقتاً انسان را برمی‌انگیزد و وارد میدان اقدام و جهاد و بندگی و عشق می‌کند.

نگاه او مراقب ما است و این مراقبت، فراگیر است و شامل همه‌ی وجود و ظاهر و باطن ما می‌شود. پس یادمان باشد که نگاه ما را خدای متعال نگاه می‌کند. ظریفی می‌گفت: بین کلمه‌ی «گناه» و «نگاه» چه جناس زیبایی است! اگر باور کنیم که او به نگاهِ گناه ما نگاه می‌کند، همه‌چیز مان تغییر می‌کند و زندگی مان متحول می‌شود. این مطلب اوّل.

شریف‌ترین حواس

مطلب دوم عبارت است از اینکه «دیدن» به وسیله‌ی چشم‌های ظاهری ما انجام می‌شود که «أَشْرَفُ الْأَعْضَاءِ» و «أَشْرَفُ الْحَوَاسِ» است. در روایت داریم که شریف‌ترین حواس انسان، چشم‌هایش هستند؛ یعنی از همه برگزیده‌تر و برجسته‌تر و شریف‌تر، چشم‌های انسان است: «لیس فی الحواس الظاهرة شیء أشرف من العین؛^{۱۰} در حواس ظاهری، چیزی اشرف و ارجمندتر از چشم نیست». از چشم شریف‌تر خدای متعال خلق نکرده است. این عضو

۱۰. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۶۲، حدیث ۳۶.

ظاهری یکی از بزرگ‌ترین و باشکوه‌ترین و زیباترین و لطیف‌ترین نعمت‌های پروردگار عزیز متعالِ مهربان ما است.

ما اینجا از چند واژه استفاده کردیم: بزرگ‌ترین، باشکوه‌ترین، زیباترین و لطیف‌ترین. روی این «ترین‌ها» دقت کنید. من چند فراز می‌گویم تا این جمله‌ای که گفتم واضح‌تر بشود.

اولاً فضای تاریک روان و جان و درون ما با این دو چشم که مثل دو خورشید می‌درخشند، روشن می‌شود. این دو، دو چشمه‌ی خورشید است برای روان ما. هنگامی که چشم‌هایتان را می‌بندید، مثل اینکه این دو شعله را خاموش کرده باشید؛ لذا در یک فضای تاریک قرار می‌گیرید. این مطلب اول.

مطلب دوم، این نعمت بزرگی که خدای متعال به ما داده، امکان تماشای آیات و نشانه‌های جمال و جلال پروردگار عزیز متعالِ مهربان را در اختیار ما می‌گذارد.

تصور کنید خدای متعال در مقابل دیدن ما چه کرده! از آفریده‌ها، از آفرینش، از نگارگری، از نقاشی، از رنگ‌ها، در برابرش چشمی به شما داده که امکان تماشای میلیون‌ها رنگ را در خودش دارد با زیبایی خاص خودش. آیا این نعمت کمی است؟ شما می‌توانید از ستاره و سیاره و خورشید و ماه و آسمان لاجوردین و کهکشان‌ها، تا زمین و این همه نقش عجب که بر در و دیوار وجود هست، و این همه مخلوقات متنوع و زیبای خداوند را ببینید و پی به خالق ببرید. این هم نکته‌ی دوم.

زبان چشم

نکته‌ی سوم اینکه چشم و نگاه و دیدن، خودش یک زبان است و چه زبانی! یعنی حرف‌هایی که نمی‌شود به زبان گفت، انسان با چشمش می‌گوید و چقدر لطیف و مؤثر گفته می‌شود. سخنانی که انسان نمی‌خواهد بگوید یا نمی‌تواند بگوید، با چشم‌هایش می‌گوید و چه گفتن‌هایی که تا عمق جان مخاطب - البته وقتی که گوینده اهلش باشد - نفوذ می‌کند. چشم و دیدگان ما، امکان دسترسی به میلیون‌ها و میلیاردها نعمتی که پروردگار متعال در پهنه‌ی هستی برای انسان فراهم کرده و همچنین دستیابی به منابع دانش، چه در کتاب تکوین و آفرینش و چه در کتاب تدوین، یعنی قرآن عزیز حکیم گرامی را فراهم آورده است. علاوه بر این، آنچه که از اولیاء خدا رسیده و آنچه که دانشمندان در طول تاریخ بشریت از معارف، دسته‌بندی و جمع کرده‌اند - مخصوصاً آنچه که به صورت کتاب عرضه می‌شود - و در دسترس چشم‌های قشنگ ما قرار می‌گیرد.

این چند جمله‌ای که عرض کردم، در قرآن کریم با تعبیر تکان‌دهنده‌ای به ما یادآوری شده است. خدای متعال این نعمت بسیار بزرگ را به انسان یادآوری می‌کند تا هم زمینه‌ی شکر و سپاس‌گزاری در ما فراهم بشود و هم پرده‌ی غفلت از پیش چشم‌های ما کنار برود و از عادی شدن این نعمت بزرگ جلوگیری شود. ما در معرض آفت عادی شدن نعمت‌ها قرار داریم. نعمت دیدن نیز برای ما عادی شده است؛ زیرا از هنگام تولد از آن برخوردار بوده‌ایم.

چگونه می‌توانیم ندیدن و نداشتن این نعمت را درک کنیم، در حالی که این نعمت برای ما عادی شده است؟

یک تجربه‌ی زیبا

من در یک سفر خاطره‌انگیز، از مشهد مقدّس با یک عزیز نایبایی هم‌سفر شدم. در آن سفر وارد اتوبوس شدم. خواستم در جایی که برایم رزرو شده بود، بنشینم که دیدم کنارم یک عزیز نایبنا نشست. متوجّه شدم که امام رضا (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌ها را به من داده: هم‌نشینی با یکی از دوستان صمیمی و عزیز خودش. کنار ایشان نشستم و از آنجا تا مقصد، در مصاحبت و شنیدن و صحبت‌ها، خادم این زائر عزیز حضرت رضا (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) شدم. البته در پیاده کردن، سوار کردن، دستشویی بردن و غذا دادن نیز من خادم ایشان شدم که واقعاً هدیه‌ی بزرگی بود.

مهم‌ترین بخش مسئله عبارت از این بود که من با دنیای عجیبی که این عزیزمان داشت، کمی آشنا شدم و با نعمت بزرگی که خدای متعال به ما داده نیز بیشتر آشنا شدم. ضمن اینکه متوجه نعمت بزرگ‌تری شدم که به این عزیز ما عنایت شده بود. اگر خدای متعال نعمت دیدن را بر اساس حکمتش از بنده‌ای دریغ کند، در عوض نعمت‌های دیگری به او می‌دهد. به همین علت، ما این عزیزان را با عنوان روشن‌دل می‌شناسیم. نعمت بینایی بر اساس حکمت از آنها دریغ شده، ولی در برابرش یک گشایش و فتوحی برای آنها رخ داده است که اگر بخواهیم

گوشه‌هایی از آن را درک بکنیم، باید با آنها نشست و برخاست کنیم؛ مخصوصاً کسانی که اهل دل هستند که این توفیق برای من در آن مناسبت فراهم شد. با آنکه قریب دو دهه از آن دیدار گذشته، ولی شهدش همچنان در کام من است. علاوه بر این، فرصتی هم پیدا شد تا با این عزیزان روشن‌دل و ناپینایمان رفت و آمدهایی پیدا کنم.

در بین آنها، حالت کسانی که ناپینای مادرزاد هستند، جالب‌تر و دیدنی‌تر است؛ عزیزانی که چیزی به نام دیدن برای آنها هیچ معنایی ندارد. ناگفته نماند که امتحان سخت‌تر برای کسانی است که پس از پینایی ناپینا شده‌اند.

انسان باید با روشن‌دلانی که اهل دل هستند، مجالست داشته باشد تا بداند آنان که اهل دل هستند چه چیزهایی را می‌بینند. پس حالا که ما راجع به نعمت دیدن صحبت می‌کنیم، آنهایی که از این نعمت بهره‌مند نیستند، دلشان نگیرد. آنها فرصت دیدن‌های دیگری دارند و از آفت دیدن‌های ما در امان هستند و از این جهت هم خوشا به سعادتشان. این هم خودش یک نکته‌ی دیگری است.

یادآوری تکان دهنده‌ی خداوند در قرآن

در این باره قرآن کریم و عزیز تعبیر بسیار زیبایی دارد که به ما یادآوری می‌کند که: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا»^{۱۱} ما انسان را از نطفه‌ای اندرآمیخته آفریدیم تا او را بیازماییم و وی را شنوا و بینا گردانیدیم». انسانی که می‌شنود، می‌بیند، اندام‌های زیبا دارد، ساخت و چهره و تصویر بدیع دارد، این همان نطفه‌ی بی‌ارزش و همان آب بی‌مقداری است که با صورتگری حضرت حق، تبدیل شده به کسی که «جَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا» خیلی یادآوری تکان‌دهنده‌ای است؛ یعنی ای انسان، دقت کن که خدای متعال با قدرت و با حکمتش چه تصویرگری کرده و چه امکانی را به وجود آورده است؟ او آبی بی‌ارزش بوده که حالا می‌بیند، می‌شنود و عرض اندام می‌کند!

قرآن کریم در آیه‌ی دیگر می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ»^{۱۲} او است آن کس که برای شما گوش و چشم و دل پدید آورد. چه اندک سپاس‌گزاری‌اید». البته در آیه دیگری دارد: «وَجَعَلَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»^{۱۳} و برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد، باشد که سپاس‌گزاری کنید».

۱۱. انسان: ۲.

۱۲. مؤمنون: ۷۸.

۱۳. نحل: ۷۸.

خدای متعال امکان دیدن را برای شما فراهم کرده و از شما در برابر این نعمت بسیار بزرگ و عظیم، توقع شکر دارد.

دیدن را ببینیم!

این جمله همیشه یادمان بماند: برای اینکه همواره حالت شکرگزاری در قبال این نعمت در وجود ما برقرار باشد، باید نعمت دیدن را ببینیم. نمی‌بینیم؛ زیرا گرفتار عادت هستیم. از خدای متعال بخواهیم که به ما توفیق این دیدن را به ما کرامت کند؛ چراکه آیات او در خود ما نیز وجود دارد: «وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ»^{۱۴} و در خود شما، پس مگر نمی‌بینید؟»

خدا را قسم می‌دهیم به حق اولیائش و به حق مقربان درگاهش ما را قدرشناس نعمت دیدن قرار بدهد و برابر این ظرفیتی که به ما داده تماشای جمال خودش، جلال خودش و تماشای ولیّ خودش، حجت بن الحسن العسگری (عليه الصلاة والسلام) را روزی کند که «به دست مردم چشم از رخسار گل بچینیم»^{۱۵} ان شاء الله.

۱۴. ذاریات: ۲۱.

۱۵. اشاره به بیت حافظ: مراد دل ز تماشای باغ عالم چیست/به دست مردم چشم از رخ تو گل چیدن. (مردم به معنای مردمک)